

رقیب است. در این راستا، توان مندی تحقیق و تعمق و مهارت و تدوین و نشر اندیشه‌های الهی در رسانه‌های گوناگون و توانایی حضور در عرصه‌های فکری و معرفتی باید مورد توجه برنامه‌ریزان، استادان، طلاب و دانش‌پژوهان باشد.

(ذ) تبلیغ

به توجه به رسالت بزرگ حوزه‌های علمیه برای ترویج و تبلیغ دین بدون تردید همه تلاش‌ها باید معطوف به کارآمدی، بازدهی، ثمربخشی، و دست‌یابی به اهداف کلان این نهاد برای ترویج دین مبین اسلام باشد؛ براین اساس، حوزویانی که بار سنگین این مسئولیت خطیر و رسالت عظیم را بردوش می‌کشند، باید با احساس تعهد بیشتر، تلاش‌های صورت گرفته در این مسیر را ادامه دهند و در جهت ارتقا و بالندگی آن به جدّ و جهد بکوشند و به نکات مهم و سیاست‌هایی که

باید در امر تبلیغ مدّ نظر حوزه‌های علمیه قرار گیرد توجه نمایند. از جمله این سیاست‌های اساسی درباره تبلیغ حوزوی می‌توان به هماهنگی با سایر معاونت‌ها و سایر نهادها، هم‌چنین حفظ تبلیغ سنتی، علمی‌سازی تجربه سنتی، نیاز به دانش و تجارب تبلیغ امروزی، مراعات مصلحت در نشر مذهب اهل بیت، توجه به تحولات دنیای ارتباطات و گسترش آن، توجه به مخاطب‌شناسی، توجه به تنوع محتواها، مضامین و روش‌ها در دنیای امروز، تغییر ذائقه‌های مخاطبان، به کارگیری شیوه‌های غیرمستقیم در القای مفاهیم، مخاطب‌قرار دادن مردم جهان و مواردی از این دست اشاره کرد.

پی‌نوشت:

* استادیار گروه معارف و علوم انسانی دانشگاه صنعتی امیرکبیر.



● علامه مصباح‌یزدی رحمته‌الله‌علیه:

پیش‌گام تحول در حوزه علمیه

آیت‌الله محمدتقی مصباح‌یزدی رحمته‌الله‌علیه در علوم مختلف صاحب‌نظر و سبک و به‌حق یک علامه به تمام معنا بود. وی درباره حوزه نیز دیدگاه‌های روشنی داشت. می‌توان ایشان را از پیش‌گامان تحول در حوزه دانست؛ چنان‌که آیت‌الله اعرافی مدیر حوزه‌های علمیه در پیامی که به مناسبت ارتحال این عالم ربانی صادر کردند نوشتند: «از لطایف بارز در زیست پربرکت آیت‌الله مصباح‌یزدی می‌توان به نوآوری‌های برجسته و اندیشه‌های مبتکرانه در قلمرو نظامات آموزشی و پژوهشی و مدیریتی حوزه و پیش‌گامی در تحول حوزه اشاره کرد و از رهگذر فکر عمیق آن مرحوم مرزهای دانش‌های اسلامی و حوزوی گسترش یافت.»



سید خرداد میرخلیلی *

شرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

حجت الاسلام محمدباقر علم الهدی مدیر مؤسسه آموزش عالی قاسم ابن الحسن (علیه السلام) درباره نگاه مرحوم مصباح به حوزه می گوید: مرحوم مصباح معتقد بود حوزه‌ای که بتواند پاسخ‌گوی نیاز جامعه باشد، باید دارای سه رکن مهم باشد. رکن اول، شناخت صحیح نسبت به اسلام است؛ یعنی حوزه باید بدانند نسبت به چه موضوعات مهمی در جامعه ورود کند، دانش آن را چگونه فراگیرد و چگونه باید پاسخ‌گویی پرسش‌های جامعه امروز ما باشد. او خواستار تحول در نظام آموزشی حوزه بود؛ هرچند حوزه به حد مطلوب از پاسخ به نیاز جامعه نرسیده است و باید تلاش بیشتری در راستای پویایی حوزه علمیه صورت گیرد. رکن دومی که در نگاه ایشان به عنوان ضرورت در حوزه‌های علمیه شناخته می‌شد، عامل درونی یعنی خصلت‌های اخلاقی هم‌چون عمل به دانسته‌ها بود. ایشان معتقد بود دانش را باید به گونه‌ای بیاموزیم که بتوان آن را به کار گرفت و وارد صحنه عمل کرد؛ یعنی در مقام اجرا به جامعه ارائه شود تا بتوان مردم را در کنار سفره قرآن و عترت قرار داد.

موقعیت زمانی ما به شکلی است که حرکت‌های اجتماعی، مثل پیشرفت مصنوعات بشری، بسیار سرعت گرفته است. در گذشته، هدایت و همراهی افراد به کندی انجام می‌شد. اما امروز همان‌سان که حرکت وسایط نقلیه سرعت پیدا کرده، حرکت‌های فکری و ذهنی نیز سرعت گرفته است. هم‌چنان که در روایات مربوط به آخرالزمان نیز به این مطلب اشاره شده است. در این زمان، افکار و عقاید به سرعت تغییر می‌کند. گاهی با القای یک شبهه، انسان دین خود را از دست می‌دهد. پس در این زمان، به اقتضای افزون شدن مسئولیت روحانیت، باید نظام آموزشی حوزه متناسب با زمان باشد و به مشکلات بیش‌تر توجه شود.

بصیرت اجتماعی رکن سوم بینش آیت‌الله مصباح نسبت به تحول حوزه بود. اگر حوزه و حوزویان به درک اجتماعی، شناخت مسائل روز و حیل‌های دشمن امروز نرسد، قطعاً حوزه نمی‌تواند از پیچ‌هایی که دشمن بر سر راه رشد مردم و ملت ایجاد می‌کند، آگاهی یابد و اقدام به موقع را صورت دهد.

● پیشنهاد علامه مصباح یزدی درباره نظام حوزه:

به باور علامه مصباح یزدی، حوزه علمیه با وجود امتیازاتی که بر سایر نظام‌های آموزشی دارد، دارای کمبودها و نارسایی‌هایی نیز هست. ایشان معتقد است موقعیت زمانی ما به شکلی است که حرکت‌های اجتماعی، مثل پیشرفت مصنوعات بشری، بسیار سرعت گرفته است. در گذشته، هدایت و همراهی افراد به کندی انجام می‌شد. اما امروز همان‌سان که حرکت وسایط نقلیه سرعت پیدا کرده، حرکت‌های فکری و ذهنی نیز سرعت گرفته است. هم‌چنان که در روایات مربوط به آخرالزمان نیز به این مطلب اشاره شده است. در این زمان، افکار و عقاید به سرعت تغییر می‌کند. گاهی با القای یک شبهه، انسان دین خود را از دست می‌دهد.

پس در این زمان، به اقتضای افزون شدن مسئولیت روحانیت، باید نظام آموزشی حوزه متناسب با زمان باشد و به مشکلات بیش‌تر توجه شود.

روحانیت باید خود را برای پاسخ‌گویی به شبهات بیش از گذشته آماده کند. کندی حرکت‌ها و تغییرات فرهنگی، در گذشته، موجب گشته بود که علما مشی علمی ثابت و آرامی داشته باشند. در واقع، در گذشته، فرهنگ ساکن، آرام و کم‌حرکت بود و به کندی تغییر و تبادل فرهنگی رخ می‌داد. این موضوع دارای نفع و ضررهایی بود: از جمله منافع آن، این بود که مسلمانان کمتر دین و آیین خود را از دست می‌دادند. و از جمله ضررهای آن، این بود که کفار کمتر مسلمان می‌شدند؛ ولی در مجموع، چندان خطری مسلمانان را تهدید نمی‌کرد، برخلاف امروز که به راحتی دین آن‌ها از بین می‌رود و این مصداق روشن روایت مذکور است.

همه درک می‌کنند که روحانیت باید متحول و متکامل گردد، حتی اگر ممکن باشد باید در این زمینه، انقلابی صورت بگیرد، دست‌کم، باید یک اصلاح تکاملی تدریجی ایجاد شود؛ و تحولات لازم به تدریج و براساس برنامه‌ریزی علما و فضلا، حاصل شود. ایجاد تحول در روحانیت و نظام آموزشی حوزه کار مشکلی است، ولی محال نیست.

بنابراین، با توجه به سرعت تغییر مسایل فرهنگی، شیوه سابق متناسب با این زمان نیست و روحانیت با آن شیوه نمی‌تواند نقش خود را به درستی در جامعه ایفا کند.

● **تجدید نظر در برنامه‌های درسی**

مرحوم مصباح یزدی درباره تجدید نظر در برنامه‌های درسی معتقد است محور دروس

آموزشی حوزه «فقه» و «اصول» است که با همان شیوه صدسال پیش در حوزه‌های علمیه تدریس و تدرّس می‌شود. بدیهی است که دستاورد آن نیز متناسب با یک قرن پیش است. اگر بخواهیم متناسب با زمان و با شتاب آن حرکت کنیم باید در برنامه‌های درسی حوزه تجدید نظر نماییم و راه‌های نزدیک‌تر و بهتری برای تحصیل علوم

نیروهایی که امروز برای تحصیل علوم دینی صرف می‌شود و زمان زیادی را به خود اختصاص می‌دهد با دست‌آورد این تلاش‌ها تناسبی ندارد. بسیاری از حوزویان با وجود آن که بیش از سی، چهل سال در برخی رشته‌های تخصصی حوزه، مانند فقه و اصول زحمت می‌کشند، ولی در همان بخش نیز قادر به پاسخ‌گویی به نیازهای جامعه نیستند. چه بسا، اگر برنامه صحیحی برای آموزش در حوزه وجود داشته باشد با صرف وقتی کمتر بتوان دستاوردهای

بهتری به دست آورد. همه درک می‌کنند که روحانیت باید متحول و متکامل گردد، حتی اگر ممکن باشد باید در این زمینه، انقلابی صورت بگیرد، دست‌کم، باید یک اصلاح تکاملی تدریجی ایجاد شود؛ و تحولات لازم به تدریج و براساس برنامه‌ریزی علما و فضلا، حاصل شود. ایجاد تحول در روحانیت

و نظام آموزشی حوزه کار مشکلی است، ولی محال نیست. این کار باید با برنامه‌ای حساب شده انجام گیرد تا به موفقیت برسد. بنابراین، باید راه‌های عملی را بررسی و در بین آن‌ها آن را که از همه کم‌خطرتر، مستقیم‌تر و پسندیده‌تر است انتخاب کرد. در این صورت، حتماً به نتیجه خواهد رسید، به خصوص اگر با اخلاص همراه باشد. به هر حال، لازم است در این زمینه بیشتر سرمایه‌گذاری شود.

به باور وی، روحانیت باید از نظر کمیت نیز رشد قابل توجهی داشته باشد تا بتواند ابتدا نیازهای داخلی کشور را تأمین کند، و سپس به ترویج اسلام در سراسر عالم بپردازد. کمبودهای حوزه با وجود مدیران دل‌سوز و آگاه به نیازهای اسلام و جامعه اسلامی و اوضاع جهانی و جایگاه فرهنگ اسلام در مقابل فرهنگ‌های بیگانه رفع می‌گردد مدیرانی که با هم‌فکری و حسن‌نیت، برنامه‌ریزی صحیحی برای نظام آموزشی حوزه انجام دهند و با جدیت و همکاری صمیمانه به اجرا گذارند. خوشبختانه وضعیت فرهنگی و اجتماعی طلبان برای ایجاد چنین تحولی مناسب است.

● رعایت نظم در نظام آموزشی

نکته دیگری که در نظام آموزشی باید رعایت شود نظم است. عامل نظم بسیار مهم و موفقیت‌آور است. نظم، نه تنها در تعلیم و تعلم، بلکه در هر کاری لازم است. وقتی به امام راحل علیه السلام در سن هشتاد و چند سالگی، گفته می‌شود که وقت نهار است، ایشان

می‌فرماید: «هنوز یک دقیقه وقت مانده است». ما باید به اهمیت نظم و انضباط بیش‌تر پی ببریم و از ایشان سرمشق بگیریم. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سایر ائمه علیهم السلام رعایت حقوق اجتماعی و نظم را در روایات متعدد به ما تأکید کرده‌اند. امیرالمؤمنین علیه السلام نیز در آخرین وصیت خود مردم را به نظم دعوت می‌فرمایند. اما متأسفانه بسیاری از ما این مسائل را رعایت نمی‌کنیم و به تبع آن، هر روزه با مشکلات عدیده‌ای روبه‌رو می‌شویم.

● ضرورت توسعه کمی و کیفی حوزه برای پاسخ به مسائل و شبهات

با توجه به افزایش هر روزه نیازها و شبهاتی که از سوی مکتب‌های مادی و غیراسلامی القا می‌شود، ضرورت این مسئله روشن‌تر می‌گردد که باید بیش از گذشته به تحصیل علوم دینی اهمیت داد و فقط به معلوماتی که هم اکنون در حوزه‌ها مطرح است اکتفا نکرد؛ لازم است مواد تحصیلی حوزه گسترده‌تر شود و دروسی که بیشتر مورد نیاز امروز جامعه است در حوزه تدریس گردد.

در گذشته، وقتی علما در مقابل سؤالات و شبهات قرار می‌گرفتند، به دنبال یافتن پاسخ می‌رفتند و با کنکاش عقلی، کتاب و سنت را بررسی می‌کردند تا جواب آن‌ها را بیابند. این‌گونه جواب‌ها کتاب‌های کلامی را به وجود آورد. اگر ذهن را از مسائل و شبهات دور کنیم و فقط به مطالعه منابع خود بپردازیم، با وجود آن‌که این‌گونه منابع مشتمل بر حقایقی است، ولی تا مشکل

خود را به آن‌ها ارائه ندهیم، پاسخ‌گوی همه مسائل و شبهات نخواهند بود؛ مثلاً تا یک سؤال روان‌شناسی برای ما مطرح نباشد، نمی‌توانیم نظر قرآن را درباره آن مسئله پیدا کنیم. اما وقتی سؤالی به ذهن انسان خطور کرد، با بررسی آیات جواب صحیحی برای آن می‌یابیم. هم‌چنین بسیاری از سؤالات را اگر دیگران مطرح نمی‌کردند ما هرگز به دنبال یافتن پاسخ آن‌ها نبودیم.

آیا جامعه اسلامی می‌تواند از همه اندیشه‌ها و مذاهب و اعتقادات عالم جدا باشد؟ شاید در گذشته چنین چیزی ممکن بود، اما اکنون چنین مسئله‌ای امکان ندارد؛ زیرا امروز همه دنیا به شکل یک خانه در آمده است.

باید از چارچوب‌های مستحکم و استخوان‌بندی قوی حوزه‌های علمیه و از امکانات فراوان فکری و معنوی که در آن‌ها هست برای پاسخ‌دادن به مسائل فراوان موجود استفاده کرد و انسان‌هایی را ساخت که بتوانند با بهره‌گیری از معارف و احکام اسلامی، نیازها را رفع و خلأها را پر کنند. اگر ما معتقدیم که باید اسلام را شناخت و به دیگران شناساند و این کار را بزرگ‌ترین مسئولیت خود می‌دانیم باید هر قدر که میسر است در این زمینه تلاش کنیم. اسلام فقط به وسیله عالمان خوب شناخته خواهد شد. در جای دیگری غیر از حوزه‌های علمیه چنین افرادی را نمی‌توان یافت. اگر کسانی نیز در جاهای دیگر با اسلام و علوم اسلامی آشنایی

پیدا کرده‌اند نتیجه کوشش‌های همین افراد حوزوی است که یا از کتاب‌ها و یا از بیانات آن‌ها بهره‌مند شده‌اند. بنابراین، برای این که حوزه تقویت شود و بتواند وظیفه و رسالت خود را انجام دهد، باید این کمبودها رفع شود.

زمانی که برای آموختن دروس در حوزه صرف می‌شود بیش از حد معقول است و می‌توان همین معلومات را با صرف وقت کمتر به دست آورد. به عنوان مثال به گونه‌ای برنامه‌ریزی شود که به جای صرف وقت برای خواندن کتاب‌های متعدد، چند کتاب با کیفیت خوب خوانده شود که البته معنای این سخن کاستن از عمق مطالب نیست.

به طور کلی، می‌توان هر علمی را با پیمودن راه‌های کوتاه‌تر و به نحو بهتر آموخت. این‌گونه نیست که راه تحصیل علوم حوزوی نیز منحصربه‌آموز خواندن کتاب‌های امثله، انموذج، سیوطی، مغنی و... باشد و پس از صرف چهارسال عمر، طلبه نتواند یک مقاله عربی بنویسد یا به عربی سخن بگوید و یا حتی یک صفحه عربی را بی غلط بخواند و به خوبی ترجمه کند.

اگر برنامه صحیحی اجرا شود ممکن است روحانی در مدت کوتاه‌تری بتواند هم عربی بخواند، هم به زبان عربی بنویسد و هم بدان سخن بگوید. اگر به جای تکرار قواعد و نقل اقوال افرادی مثل ابن‌عصفور و ابن‌جماعه بیشتر بر تمرین تکیه شود و قواعد لازم خوانده و عمل شود بهتر است. البته این

کارها و برنامه‌ها احتیاج به زحمت دارد و به آسانی قابل اجرا نیست.

وضع حرکت علمی امروز دنیا با بیست یا سی سال پیش بسیار تفاوت دارد. در آن زمان، اگر می‌خواستیم نظرات ملاصدرا را جست‌وجو کنیم باید همه کتاب‌های او را زیرورو و خلاصه‌برداری می‌کردیم تا ببینیم در هر کتابی چه مطلبی نوشته است. متأسفانه در بسیاری از موارد هنوز هم این‌گونه عمل می‌شود؛ ولی امروز کامپیوتر در زمان بسیار کوتاهی می‌تواند همه این اطلاعات را به ما بدهد.

● راهکارها برای تحول فرهنگی در حوزه

برای ایجاد تحول فرهنگی، لازم است یک سلسله کارها انجام گیرد: در خود حوزه باید بحث شود و مقالات و کتاب‌هایی نوشته شود تا زمینه فکری برای تحول فراهم شود. بسیاری از افراد توجه ندارند و براساس حسن ظنی که به بزرگان حوزه دارند، به شکل مغالطه‌آمیز استدلال می‌کنند: در حضور یکی از استادان حوزه مطرح شد که خواندن کتاب شرح امثله چه سودی دارد و چه اصراری بر تدریس آن در حوزه هست. ایشان پاسخ داد که امام فرموده‌اند: «باید فقه سنتی را احیا کرد، آیا شما مخالف فقه سنتی هستید؟» واضح است که این سخن ربطی به فقه سنتی ندارد و استدلالی غلط است.

امکانات روحانیت در زمان حال بسیار است و زمینه فعالیت کافی نیز وجود دارد. مهم‌ترین نیاز حوزه طرح، برنامه و کار است.

حوزه به مدیران و مجریانی لایق نیازمند است تا ضمن ارائه طرح‌های مناسب، در عمل نیز آنها را پیاده کنند.

● وظایف نظام آموزشی

هر نظام آموزشی و به عبارت دیگر، نظام تعلیم و تربیت باید زمینه رشد افراد را فراهم سازد: امکاناتی مهیا کند که راه رسیدن به مقصد کوتاه شود و بهره‌گیری از نیروهای موجود به راحتی انجام شود، نه این‌که پیشرفت با مشقت حاصل گردد. باید اکثریت افرادی که در آن نظام مشغول به تحصیل‌اند به حد نصاب اهداف آموزشی که در آن نظام منظور شده است، برسند؛ هرچند مراتب عالی‌ه آن مخصوص افراد معدودی باشد.

● صرفه‌جویی در عمر برای دست‌یابی به علوم مورد نیاز افتا

در گذشته، برای این‌که شخص بتواند مجتهد شود و نیازهای دینی شهر خود را برطرف کند به سی سال وقت نیاز بود و طلبه‌ای که در سن بیست‌سالگی وارد حوزه می‌شد در پنجاه‌سالگی می‌توانست به اجتهاد برسد و نیازهای فقهی جامعه را برطرف کند. اما امروز از یک سو، به دلیل گستردگی علوم و مسائل مورد نیاز زندگی بشر، مجتهدی که بخواهد در همه آن زمینه‌ها، اعم از مسائل اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و... فتوا دهد به اطلاعات بیشتری نیاز دارد و از سوی دیگر، نیازهای دینی منحصر در مسائل فقهی نیست و جامعه نیاز به متخصصان زیادی در رشته‌های گوناگون علوم دینی دارد.

بدیهی است که با شیوه سابق نمی‌توان چنین کار عظیمی را انجام داد. لذا، باید سرعت تحصیل بیش از گذشته باشد. به عنوان مثال، همان‌سان که در گذشته با شتر مسافرت می‌شد و راه‌ها به آرامی طی می‌گردید ولی امروزه همان مسیر را با هواپیما و در مدتی بسیار کم طی می‌شود، حرکت درسی ما نیز باید به گونه‌ای باشد که بازدهی بیشتری داشته باشد و در کوتاه‌ترین مدت، به بهترین نتایج دست یابیم. معلومات گذشته برای امروز ما کافی نیست، و علاوه بر مسائل فقهی باید از مسائل اعتقادی و تاریخی و از مسائل سیاسی و اجتماعی که امروز در جامعه مطرح می‌شود نیز باید اطلاع کافی داشته باشیم. بنابراین؛ باید برای کار و وقت خود بسیار ارزش قائل شویم و برنامه‌های خود را به گونه‌ای تنظیم کنیم که بازده عمر ما بیشتر باشد. این کار بسیار فنی و مهمی است که باید با برنامه‌ریزی متخصصان و اساتید باتجربه، که احاطه کافی به همه این مشکلات داشته باشند، انجام شود.

● لزوم دقت در علوم اسلامی و تصحیح منابع فقهی

در بدو ملاحظه روایات، ممکن است تعارضاتی بین آن‌ها به نظر برسد. متأسفانه کسانی که به صورت سطحی کار می‌کنند و بهره‌چندانی از تحصیل و تدقیق ندارد و معمولاً از یک زاویه به روایت نگاه می‌کنند بیشتر دچار کج‌فهمی و انحراف می‌شوند. این انحراف، که از کم‌دقتی و سطحی‌نگری

ناشی می‌شود، باعث دوری از حقایق اسلام و گاهی درج مطالب نادرست در معارف اسلامی می‌شود. بنابراین، یکی از مواردی که باید در حوزه علمیه و سایر مراکز دینی رعایت گردد توصیه طلاب و محققان به تحصیل خوب و دقت کافی در آیات، روایات، منابع و مآخذ علمی است؛ به عبارت دیگر، برخورد تخصصی با مطالب و دوری از سطحی‌نگری.

یکی از کارهایی که انجام آن ضروری است تصحیح منابع فقهی است؛ بدین معنا که منابع فقه را مورد بررسی قرار دهیم و مثلاً اول آیاتی را که درباره یک موضوع فقهی است مورد رسیدگی قرار دهیم سپس روایات را بررسی کنیم و مراقب باشیم که در نقل آن‌ها اشتباهی رخ نداده باشد.

● لزوم طرح فلسفه اسلامی

باید مکاتب گوناگون فلسفی، اعم از مشائی، اشراقی و مکاتب فلسفی موجود در دنیا، در حوزه‌های علمیه مطرح شود، گرچه در برخی از آن‌ها گرایش‌های الحادی وجود داشته باشد، که در این صورت باید مورد نقادی عالمانه و محققانه قرار بگیرد.

برای پیشرفت فلسفه، باید بحث‌های فلسفی عمومی‌تر شود؛ آزادانه در این مسائل بحث شود، گرایش‌های تعصب‌آمیز کنار گذاشته شود و با انصاف، صراحت و شجاعت، در مقام بحث، مسائل گوناگون از دیدگاه‌های شرقی و غربی مطرح، مقایسه، تطبیق و نقادی شود تا بتوانیم فلسفه اسلامی را، به عنوان بهترین فلسفه‌ای که برای بشر وجود داشته

و خواهد داشت، مطرح کنیم و عقاید مبتنی بر آن را اثبات نماییم.

● اهمیت تحقیق در علوم اسلامی

اهمیت تحقیق وقتی روشن می‌شود که، صرف نظر از مسائل فردی و نیازهای شخصی خود به کتاب و سنت، به مسائل اجتماعی و اختلاف مکتب‌ها و مسلک‌ها نیز توجه کنیم. در این عصر که همه عالم به سان یک خانه شده است و هر صدایی که در هر نقطه ایجاد و هر نظری که اظهار شود در

تمام نقاط منعکس می‌شود و امواج فکری که در گوشه و کنار دنیا، از سوی هر فرد با هر مسلک و مذهبی، ارائه می‌شود دیر یا زود در تمام دنیا منتشر می‌گردد و این امواج به همه مردم می‌رسد و در مطبوعات و نشریات و حتی سخنرانی‌های مذهبی نیز اثر می‌گذارد و افرادی آگاهانه یا ناآگاهانه تحت تأثیر این گونه امواج فکری قرار می‌گیرند، به دلیل این که همه این امواج فکری صحیح نیست و انسان را به ساحل امن رهبری نمی‌کند، اگر آمادگی کافی برای دفاع از خود و مکتب‌ها را نداشته باشیم تحت تأثیر واقع شده و در دریایی از ضلالت و گمراهی غرق می‌شویم. توجه به ضرورت این مسئله تحصیل علوم دینی را در دو جهت ایجاب می‌کند:

● برای پیشرفت فلسفه، باید بحث‌های فلسفی عمومی‌تر شود؛ آزادانه در این مسائل بحث شود، گرایش‌های تعصب‌آمیز کنار گذاشته شود و با انصاف، صراحت و شجاعت، در مقام بحث، مسائل گوناگون از دیدگاه‌های شرقی و غربی مطرح، مقایسه، تطبیق و نقادی شود تا بتوانیم فلسفه اسلامی را، به عنوان بهترین فلسفه‌ای که برای بشر وجود داشته و خواهد داشت، مطرح کنیم و عقاید مبتنی بر آن را اثبات نماییم.

۱. در جهت شناخت صحیح اسلام تا در اثر تبلیغات دشمن، به جای اسلام ناب، از اسلام انحرافی پیروی نکنیم و اسلام را به معنای صحیح، از مدارک صحیح و سرچشمه زلال آن، بشناسیم و دچار انحراف و التقاط نشویم.

۲. از جهت دیگر نباید تنها به این شناخت اکتفا کنیم، بلکه باید افکار غلطی را که با آن‌ها مواجه می‌شویم درست بشناسیم و راه پاسخ‌گویی به آن‌ها را نیز بیاموزیم، زیرا هنگامی که شبهات گمراه‌کننده با آب‌ورنگ علمی و زرق‌وبرق فریبنده ارائه می‌شود بسیاری از افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهد مگر این که پاسخ‌های منطقی و قانع‌کننده‌ای در اختیارشان قرار گیرد.

● لزوم شهادت در تحقیق

در کار تحقیقی نباید هیچ‌گونه استیحا‌شی وجود داشته باشد. اگر فصلی تهیه و نوشته شد سپس مجبور به تعویض همه آن شدیم نباید ناراحت شویم. اغلب کارهای ارزش‌مند همیشه از سوی افرادی عرضه شده است که چنین شهادتی را در نوشتن داشته‌اند. ممکن است محقق مطلبی را بنویسد و پس از مدتی رأی بهتر و دقت نظر بیش‌تری پیدا کند. چنان‌چه شهادت لازم برای جایگزین کردن

مطلب صحیح‌تر و بهتر وجود نداشته باشد، هیچ‌گاه کارهای تحقیقی سودمند و موجب پیشرفت نخواهد شد.

● پرهیز از سطحی‌نگری

بدیهی است پیشرفت علم همیشه با تلاش افراد سخت‌کوش و خستگی‌ناپذیر و کنجکاو و ژرف‌نگر حاصل شده و خواهد شد و هیچ‌گاه هیچ فرد یا جامعه‌ای با سطحی‌نگری و تنبلی و راحت‌طلبی به جایی نرسیده و نخواهد رسید. سیره عالمان سخت‌کوش و مجتهدان ساده و زاهدانه را برگزیده بودند تا بیشتر بتوانند به تحقیقات علمی بپردازند سرمشق خوبی برای دانش‌پژوهان ما می‌باشد.

● آزاداندیشی و پرهیز از تقلید

مطلب دیگری که در تحقیقات علمی لازم است آزاداندیشی و پرهیز از تقلید و دنباله‌روی بی‌دلیل و بی‌منطق است. چیزی که آفت بزرگی برای پیشرفت علمی محسوب می‌شود و نهال بالنده دانش را در تنگنای کانال ساختگی خفه می‌کند و می‌خشکاند. زبان این کار نه تنها دامن‌گیر کسانی می‌شود که خود را در قالب‌های تحمیلی محبوس و محصور کرده‌اند، بلکه موجب بدگمانی و بدبینی

● بدیهی است پیشرفت علم همیشه با تلاش افراد سخت‌کوش و خستگی‌ناپذیر و کنجکاو و ژرف‌نگر حاصل شده و خواهد شد و هیچ‌گاه هیچ فرد یا جامعه‌ای با سطحی‌نگری و تنبلی و راحت‌طلبی به جایی نرسیده و نخواهد رسید. سیره عالمان سخت‌کوش و مجتهدان ساده و زاهدانه را برگزیده بودند تا بیشتر بتوانند به تحقیقات علمی بپردازند سرمشق خوبی برای دانش‌پژوهان ما می‌باشد.

دیگران نسبت به حقایق و معارف و احکام و قوانین اسلام نیز می‌شود.

البته باید توجه داشت که آزاداندیشی و رهایی از قیود تقلید و تعصب، به معنای تجویز بدعت‌گزارها و نشر افکار التقاطی و تفسیرهای ساختگی و دل‌خواه از کتاب و سنت نیست. بدیهی است که خطر این انحرافات و کژاندیشی‌ها به هیچ‌وجه کمتر از خطر تعصب و تحجر نمی‌باشد. یافتن راه میانه و مستقیم در میان خطوط افراطی و تفریطی کار دشواری است که تنها با اعتدال سلیقه و تلاش مخلصانه و تقوای علمی و استمداد از توفیقات الهی می‌توان بدان دست یافت.

● تخصصی کردن علوم

با توجه به گسترش علوم و مسائل مطروحه در فقه و ابواب متعدد کتاب و سنت، ممکن است فقها نتوانند در تمام ابواب فقه دقیقاً اجتهاد کنند؛ لذا یکی از نظریات مطرح شده در این زمینه این است که بهتر است که ابواب فقه نیز تقسیم شود و هر فقیهی در یک قسمت متخصص شود. مقلدین نیز در هر یک از بخش‌های احکام اعم از عبادات، معاملات و... از زهر مرجعی که صلاح بدانند تقلید می‌کنند. این امر موجب می‌شود که

مراجع در زمینه تحقیقی خود دقت کافی داشته باشند.

برای آن که همه بتوانند به معارف گسترده و عمیق اسلام آگاهی کافی پیدا کنند معقول‌ترین راه این است که محققان در رشته‌های متعدد علوم اسلامی به‌طور تخصصی به تحقیق بپردازند و حاصل کار خود را در دست‌رس دیگران قرار دهند. اهمیت این مطلب با توجه به نکات زیر بیش‌تر روشن می‌شود:

اول، اسلام هم از نظر عرضی بسیار وسیع است و دامنه گسترده‌ای دارد و هم از نظر طولی مراتب معرفت آن بسیار متفاوت است. به‌عنوان مثال، توحید، که یکی از اصول مهم اسلام است، دارای مراتب متعددی است که همه آن را یکسان درک نمی‌کنند. بنابراین،

چون معارف اسلامی گسترده و از عمق ویژه‌ای برخوردار است، همه انسان‌ها نمی‌توانند تمام معارف آن را آن‌گونه که هست بشناسند.

اگر همه بخواهند در پی شناخت تمام ابعاد اسلام باشند باید از سایر مسائل زندگی خود دست بشویند؛ در نتیجه، زندگی دنیوی آن‌ها مختل می‌شود. پس باید فقط عده‌ای به دنبال فهم حقایق اسلام بروند و این عده نیز به دلیل گستردگی و عمق معارف اسلام نمی‌توانند در همه ابعاد دین متخصص شوند. از این رو، هرکس باید در بخشی از معارف اسلام به تحصیل و تحقیق بپردازد تا در آن رشته تخصص پیدا کند.

معارف اسلام نمی‌توانند در همه ابعاد دین متخصص شوند. از این رو، هرکس باید در بخشی از معارف اسلام به تحصیل و تحقیق بپردازد تا در آن رشته تخصص پیدا کند. دوم، ما معتقدیم که سعادت دنیا و آخرت جز از راه اسلام حاصل نمی‌شود و اسلام مجموعه‌ای از معارف، ارزش‌ها و دستوراتی است که باید آن را هرچه بیشتر شناخت تا بهتر بتوانیم برای سعادت خود از آن‌ها استفاده کنیم.

سوم، ما غیر از پیامبر ﷺ و ائمه اطهار ﷺ که علم الهی داشتند و معارف را از ناحیه خداوند به‌صورت لدنی دریافت کرده بودند و به همه معارف اسلام آشنایی داشتند، فرد دیگری را سراغ نداریم که به همه معارف اسلامی آن‌گونه احاطه داشته باشد. حتی

شاگردان ائمه ﷺ نیز چنین نبودند و نمی‌توانستند باشند. لذا، ائمه ﷺ سعی می‌کردند که هر یک از شاگردان خود را در یک رشته تربیت کنند. شاگردان امام صادق ﷺ که هر یک در رشته‌ای خاص به‌وسیله آن حضرت تربیت شده و در آن رشته تخصص پیدا کرده بودند، بسیار معروفند.

چهارم، اگر عده‌ای به شکل تخصصی به تحقیق بپردازند و حقایق مورد نیاز مردم را در رشته‌های گوناگون علوم در

اختیار آن‌ها قرار ندهند، به‌تدریج، شناخت مردم نسبت به اسلام ضعیف می‌شود و با پیش‌آمدن موارد مشابه، به اشتباه می‌افتند و برای دشمنان نیز امکان تحریف معارف دینی و التقاط پیش‌خواهد آمد و اسلام و مسلمانان با خطر بزرگی مواجه خواهند شد. بنابراین، تخصصی‌شدن معارف اسلامی ضروری است و بقای اسلام و ارزش‌های الهی به تخصصی‌شدن معارف دینی بستگی

دارد. تخصصی‌شدن دروس حوزه مسئله جدیدی نیست و دست‌کم، از سی‌سال پیش این مسئله بزرگانی امثال شهید بهشتی، شهید مطهری، شهید باهنر رحمته و... نیز این مطلب را مطرح کرده‌اند و در این زمینه طرح‌هایی داشته‌اند.

بنابراین، بحث تخصصی‌شدن آموزش در حوزه بحث جدیدی نیست، بلکه در چنددهه اخیر مورد توجه شخصیت‌های برجسته حوزه بوده و اکنون که موقعیت بهتری فراهم شده است باید بیش‌تر در پی تحقق این ایده باشیم.

● تربیت نیروهای متخصص در زمینه علوم انسانی

امروز غیراز فقه و اصول که اسکلت دروس حوزه را تشکیل می‌دهند نیاز به دروس دیگری هم هست. برخی از این دروس نیاز

ضروری هر روحانی می‌باشد. بنابراین، باید به‌عنوان دروس عمومی برای تمامی طلاب -در هر رشته‌ای که باشند- در نظر گرفته شود. همان‌طور که یک طلبه نیاز به اطلاع از ادبیات عرب دارد تا بتواند عبارات عربی کتاب و سنت را درست بخواند و معنا کند، امروز یک روحانی اطلاعات جنبی دیگری غیراز فقه و اصول نیاز دارد تا بتواند در جامعه موفق باشد. آشنایی با منطق، فلسفه و نیز

آشنایی با مبانی علوم انسانی از ضروریات زمان ماست. این‌ها معلومات عمومی است که هر روحانی که می‌خواهد در جامعه فعالیت کند باید عالم به آن‌ها باشد.

علاوه‌بر این لازم است در زمینه علوم انسانی -گذشته از آشنایی همه طلاب- نیروهای متخصص تربیت شوند. همان‌طور که در فقه و اصول مجتهد نیاز داریم، در سایر

زمینه‌ها نیز به متخصص نیاز است. لازم است کسانی در تاریخ اسلام تخصص یابند، کسانی متخصص در فلسفه و کسانی در سایر رشته‌های علوم انسانی کارکنند تا بتوانند نظرات اسلام را در این زمینه‌ها تبیین کنند.

باید گروهی از روحانیون به آموختن علوم انسانی بپردازند و به اصطلاحات و زبان آن‌ها آشنا شوند تا بتوانند؛ اولاً، آن شبهات را درست

تخصصی‌شدن معارف اسلامی ضروری است و بقای اسلام و ارزش‌های الهی به تخصصی‌شدن معارف دینی بستگی دارد. تخصصی‌شدن دروس حوزه مسئله جدیدی نیست و دست‌کم، از سی‌سال پیش این مسئله بزرگانی امثال شهید بهشتی، شهید مطهری، شهید باهنر رحمته و... نیز این مطلب را مطرح کرده‌اند و در این زمینه طرح‌هایی داشته‌اند.

درک کنند و ثانیاً، پاسخی که قابل فهم آنان و به زبان خود آنان باشد بدهند و بدین طریق از انحراف جوانان مسلمان جلوگیری شود. از این رو باید در برنامه‌های درسی حوزه این دروس برای گروهی به صورت تخصصی (علاوه بر آشنایی به مبانی که برای همه لازم است) در نظر گرفته شود تا اگر اکنون چنین افرادی نداریم که بتوانند این شبهات را

به خوبی پاسخ دهند، دست کم در آینده عده‌ای متخصص در این علوم داشته باشیم. اکنون اکثریت طلاب و فضلا از این مفاهیم اطلاع ندارند، چه رسد به این که بتوانند پاسخ‌گوی شبهات مربوطه باشند.

حتی بالاتر از این، ما نباید منتظر باشیم که در اروپا یا آمریکا ایده یا مکتبی پیدا شود و مطالبش منتشر شود، به زبان‌های زنده دنیا ترجمه شود، آن‌گاه بعد از آن که کهنه شد و دشمن کار خودش را کرد و طعمه‌اش را شکار کرد و به هدفش رسید، به فارسی ترجمه شود و اتفاقاً یک عالم

دینی آن را بخواند و سپس اگر قادر بود به پاسخ بپردازد. که اگر هم پاسخی داده شود «نوش دارو بعد از مرگ سهراب» است. این حرکتی انفعالی است و کافی نیست، بلکه ما باید آن قدر قوی باشیم که بتوانیم موضع

تهاجمی داشته باشیم؛ قبل از این که آن‌ها افکارشان را به ما تحمیل کنند و به مغز جوان‌های ما وارد کنند، ما به آن‌ها هجوم آوریم و بافته‌های فکری آن‌ها را درهم بریزیم. اندیشه‌های آنان غالباً ضعیف و همانند تار عنکبوت است؛ «ان او هن البیوت لبیت العنکبوت» اما در عین حال مردانی با همت لازم است که با آن‌ها مبارزه کنند و وهن و سستی افکار آن‌ها را آشکار نمایند. و این جز با به کار گرفتن زبان مناسب خودش امکان ندارد.

ما باید آن قدر قوی باشیم که بتوانیم موضع تهاجمی داشته باشیم؛ قبل از این که آن‌ها افکارشان را به ما تحمیل کنند و به مغز جوان‌های ما وارد کنند، ما به آن‌ها هجوم آوریم و بافته‌های فکری آن‌ها را درهم بریزیم. اندیشه‌های آنان غالباً ضعیف و همانند تار عنکبوت است؛ «ان او هن البیوت لبیت العنکبوت» اما در عین حال مردانی با همت لازم است که با آن‌ها مبارزه کنند و وهن و سستی افکار آن‌ها را آشکار نمایند. و این جز با به کار گرفتن زبان مناسب خودش امکان ندارد.

اسلام جلب و حقانیت معارف اسلامی را برای آنان اثبات کرد. در اثر فقدان زبان مشترک امکان تفاهم و بحث‌های تطبیقی بوجود نمی‌آید و دیگران از معارف اسلام بی‌اطلاع می‌مانند و حتی گاهی دچار بدفهمی‌ها و

کژاندیشی‌هایی می‌شوند و اسلام را مخالف علم و تمدن و عقل می‌پندارند، یا احکام و قوانین اسلامی را بدوی و خشن و نامناسب با جوامع مترقی و پیشرفته می‌انگارند و توده‌های میلیونی مردم هم به تبعیت از دانشمندانشان نسبت به اسلام بدبین می‌شوند.

در هر حال حجت برایشان تمام نمی‌شود. و مسئولیت کسانی که متصدی تبیین و دفاع از اسلام را به عهده دارند آشکار می‌شود. از این رو لازم است علاوه بر فقه و اصول، در زمینه علوم عقلی و علوم انسانی به پرورش متخصص اقدام کنیم. یعنی فضایی را تربیت کنیم که علاوه بر این که اسلام‌شناس هستند، دست کم در یکی از علوم انسانی تخصص یافته باشند و بتوانند مبانی آن را بررسی و نقاط ضعف آن را نمایان سازند.

از این رو لازم است علاوه بر فقه و اصول، در زمینه علوم عقلی و علوم انسانی به پرورش متخصص اقدام کنیم. یعنی فضایی را تربیت کنیم که علاوه بر این که اسلام‌شناس هستند، دست کم در یکی از علوم انسانی تخصص یافته باشند و بتوانند مبانی آن را بررسی و نقاط ضعف آن را نمایان سازند.

دفاع از اسلام را به عهده دارند آشکار می‌شود. از این رو لازم است علاوه بر فقه و اصول، در زمینه علوم عقلی و علوم انسانی به پرورش متخصص اقدام کنیم. یعنی فضایی را تربیت کنیم که علاوه بر این که اسلام‌شناس هستند، دست کم در یکی از علوم انسانی تخصص یافته باشند و بتوانند مبانی آن را بررسی و نقاط ضعف آن را نمایان سازند.

پی‌نوشت:

* استادیار گروه معارف و علوم انسانی دانشگاه صنعتی امیرکبیر.

از دیدگاه ایت‌الله مصباح‌یزدی، برای این که حوزه بتواند پاسخ‌گوی نیازهای دینی جامعه باشد و نیز بتواند رسالت خود را مبنی بر نشر معارف اسلامی در سراسر جهان به خوبی ایفا کند باید هم از نظر کمی و هم از نظر کیفی تحولاتی بپذیرد. از جمله، باید در برنامه‌های درسی و تحقیقاتی تجدید نظرهایی انجام گیرد.

برنامه‌ای تدوین شود تا علاوه بر این که از اتلاف وقت و هدر رفتن نیرو و امکانات جلوگیری شود، نیروهایی کارآمد و شایسته و متخصص تربیت شوند تا بتوانند به عنوان یک روحانی به ایفای نقش خود بپردازند.